



۴

یک پرونده جمع و جور برای رابطه نوجوان و کتاب  
به بهانه دومین جای خالی نمایشگاه بین المللی کتاب

## لذت خواندن در عصر حواس پرتی

گرفتی؛ نه پز روشنفکری برم می دارد که بروم در قد و قامت دفاع از آن چهره سیاسی پرحاشیه و بگویم فوتینا! ما که حاضر به گفت و گو بودیم و شما جازدید، من فقط از پیچ های مجازی و حقیقی درباره نحوه ابراز وجود یک نوجوان می ترسم. من نگران آینده این دختر هستم که قدم اول را دقیق برنداشته، من می ترسم بقیه نوجوان ها از ورود جدی به دنیای مطالبه گری سر باز بزنند. من نگرانم که نکند نامزدهای انتخابات این دوره هم نخواهند برای یک بار که شده زبانشان در دهان بچرخد و لااقل دو تا وعده هم برای ایجاد تغییراتی به نفع قشر نوجوان بدهند. شما چطور؟

اظهار نظرهای مخالف و موافق روبه روی شوم. درباره دختری که از یک چهره سیاسی دعوت به مناظره کرده است و حالا بعد از قبول آن چهره جنجالی، درس و مشق یا تبلیغ شدن برای او را بهانه کرده و از این عمل انصراف داده، برخلاف خیلی ها اصلاً لازم نمی بینم دنبال پشت پرده ماجرا باشم و با خودم فکر کنم همانطور که فیلم تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی در ادوار گذشته گاهی به فیلم سینمایی تبدیل می شد؛ اینجا هم با یک کار صرفاً تبلیغاتی رو به رو هستم یا خیر. نه چون حامی قشر نوجوان هستم، طرف نوجوان را می گیرم که دمت گرم، حال کسی که تکلیفش با نظام روشن است را

### نامزدهای محترم! ما نگرانیم

صفحه اینستاگرام جلوی چشمم باز است. در بخش اکسپلورر آن از یک دختر نوجوان چند پست می بینم با تیترهایی که

اصلاً زیبا نیست؛ حتی تکرارشان در این متن سرمقاله، افکارم پریشان می شود. پست ها را یکی یکی باز می کنم و با انبوه

حسین  
شکيب راد  
دبير «نوجوان»

